

دخالت‌های روسیه و انگلستان در ایران (از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹)

مقدمه

رقابت‌ها و توافقی‌های روسیه و انگلیس در ایران، جنگ جهانی اول و کودتای ۱۲۹۹، روند تحولات تاریخ ایران را کاملاً تحت‌تأثیر خود قرار داد. در این درس نقش دولت‌های روسیه و انگلستان در مقطع بسیار مهمی از تاریخ ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روسیه و انگلستان و انقلاب مشروطه ایران

مخالفت روسیه با انقلاب مشروطه: دولت روسیه آشکارا با جنبش مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهان ایران مخالفت کرد؛ زیرا:

۱- حکومت تزاری روسیه استبدادی بود و نسبت به هرگونه اندیشه آزادی‌خواهی و حکومت مشروطه دشمنی می‌ورزید.

۲- روسیه بر شاه و دربار ایران نفوذ زیادی داشت و چون انقلاب مشروطه موجب محدود شدن اختیارات و قدرت شاه و دربار می‌شد، این موضوع خوشایند روس‌ها نبود.

۳- دولتمردان روسی از گرایش و وابستگی مشروطه‌خواهان به دولت انگلستان نگران بودند. با این همه، حکومت تزاری روس در موقعیتی نبود که بتواند مانع پیروزی انقلاب مشروطه ایران شود؛ زیرا به‌تازگی در جنگ با ژاپن به سختی شکست خورده و گرفتار جنبش مشروطه‌خواهی در داخل روسیه بود.

سیاست منفعت‌طلبانه انگلستان در برابر مشروطه: طبیعی است که دولت‌های استعمارگر در اساس با هرگونه جنبش ملی و مردمی در کشورهای تحت نفوذ و سلطه خود مخالفت کنند، اما دشمنی آنها با چنین نهضت‌هایی در شکل‌های مختلف و گاهی در لباس دوستی جلوه می‌کرد. دولت انگلستان

در صدد برآمد از طریق نفوذ در رهبران و دست‌اندرکاران انقلاب مشروطه، این انقلاب را از مسیر اصلی خود منحرف کند و در جهت منافع استعماری خود سوق دهد. به همین منظور درهای سفارت انگلستان در تهران به روی مشروطه‌خواهان گشوده شد و مأموران انگلیسی به ظاهر از انقلاب پشتیبانی کردند. خیلی زود پرده از این سیاست متظاهرانه برداشته شد و دولت انگلستان در مقابل لشکرکشی محمدعلی‌شاه و روسیه بر ضد مجلس شورای ملی و مشروطه‌خواهان سکوت کرد و سپس از طریق دسیسه و دخالت‌های گوناگون در امور داخلی ایران، نهضت مشروطه را از نفس انداخت.

قرارداد ۱۹۰۷

اختلافات کشورهای اروپایی بر سر منافع استعماری در اواخر قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و به تدریج زمینه را برای چنددستگی و صف‌آرایی آنها در مقابل یکدیگر فراهم کرد. در این میان، دو



نقشه تقسیم ایران بر اساس قرارداد ۱۹۰۷

دولت انگلستان و روسیه که از قدرت یافتن آلمان و متحدانش بیم داشتند، در سال ۱۹۰۷ م. / ۱۲۸۷ ش. طی قراردادی با تقسیم کردن ایران میان خود، کوشیدند به اختلافات خویش پایان دهند. براساس قرارداد ۱۹۰۷ م. که به طور پنهانی به امضا رسیده بود، ایران به سه منطقه تقسیم می شد: منطقه تحت نفوذ روسیه، منطقه تحت نفوذ انگلیس و منطقه بی طرف؛ اما به دلیل عدم اقتدار دولت ایران، این بی طرفی نیز معنایی نداشت.

مشروطه نوپا و تجاوزهای بیگانگان

در گرماگرم نبرد میان مستبدان و آزادی خواهان (در دوره استبداد صغیر)، نیروهای نظامی روس براساس قرارداد ۱۹۰۷ م، از مرزهای شمالی گذشتند و با پیشروی در خاک ایران، وارد تبریز شدند. پس از چندی، نیروهای نظامی انگلستان نیز مناطق جنوبی ایران را تصرف کردند. روس ها در تبریز ثقة الاسلام تبریزی و عده ای دیگر را که به مخالفت با آنها برخاسته بودند، اعدام کردند و در مشهد، گنبد امام رضا (ع) را به توپ بستند؛ بنابراین، مهم ترین و اساسی ترین مشکل مشروطه نوپا، حضور تجاوزکارانه انگلیسی ها و روس ها در ایران بود. با این حال، آزادی خواهان که با فتح تهران پیروزی بزرگی به دست آورده بودند، در صدد برآمدند که با حل کردن مشکلات، اوضاع کشور را سر و سامان دهند. آنها برای دستیابی به این هدف، در گام نخست مقدمات بازگشایی مجلس شورای ملی را فراهم آوردند (آبان ۱۲۸۸). مجلس دوم کار خود را در میان شور و شوق فراوان مردم آغاز کرد اما بعضی اقدامات آن، خشم و نارضایتی آشکار دولت روسیه را برانگیخت و موجب کارشکنی های پنهانی دولت انگلستان شد. این نارضایتی و کارشکنی ها سرانجام به تعطیلی مجلس انجامید^۱.

آغاز جنگ جهانی اول

چنان که در درس هشتم خواندید، جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۴ م. / ۱۲۹۴ ش. بین دولت های اروپایی آغاز شد. با پیوستن عثمانی به آلمان، این دو دولت کوشیدند با نفوذ در ایران، به نیروهای روس و انگلیس که از زمان قبل از جنگ در ایران مستقر بودند، ضربه وارد کنند. این امر خشم دولت های روس و انگلیس را برانگیخت و موجب شد که آنها برای جلوگیری از نفوذ آلمان و عثمانی در ایران،

۱- پس از پیروزی مشروطیت و به دنبال مشکلات اقتصادی، مجلس از فردی آمریکایی به نام مورگان شوستر (Morgan Shuster) دعوت کرد تا برای کمک به اصلاح اوضاع اقتصادی به ایران بیاید. اقدامات شوستر با اعتراض جدی روس ها مواجه شد و در پی فشارهای سیاسی آنان، دولت به ناچار شوستر را از ایران اخراج کرد.

بر تعداد نیروهای خود در کشور ما بيفزایند و طی قراردادی سرّی، (قرارداد ۱۹۱۵ م.) مناطق بیشتری از خاک ایران را به اشغال درآورند.

ایران در جنگ جهانی اول

هنگامی که جنگ جهانی اول آغاز شد، ایران اوضاعی آشفته و بحرانی داشت. وضعیت ناپایدار سیاسی، نابسامانی‌های اقتصادی و دخالت‌های گسترده قدرت‌های خارجی، حکومت قاجار را ضعیف و متزلزل کرده بود.

اشغال ایران: اگرچه پس از شروع جنگ جهانی اول، دولت ایران اعلان بی‌طرفی کرد، لیکن دولت‌های درگیر در جنگ کمترین اعتنایی به آن نکردند.

روسیه و انگلستان که از تنفر شدید ایرانیان نسبت به خود آگاه بودند و از فعالیت مأموران و جاسوسان آلمان در ایران واهمه داشتند، به سرعت نیروهایشان را از شمال و جنوب وارد کشور ما کردند. سپاهیان روسیه بخش‌هایی از شمال و نیروهای انگلیسی قسمت‌هایی از جنوب ایران از جمله مناطق نفت‌خیز را به اشغال خود درآوردند. همزمان ارتش عثمانی نیز مناطقی از غرب ایران را تسخیر کرد. به‌دنبال پیشروی نیروهای روسیه تا دروازه‌های پایتخت، جمعی از مشروطه‌خواهان، شامل تعدادی از نمایندگان مجلس شورای ملی، وزیران و شخصیت‌های مذهبی، ابتدا به قم، سپس به اصفهان و سرانجام به کرمانشاه مهاجرت کردند. مهاجران در آن شهر، تحت حمایت متحدین (آلمان و عثمانی)، دولت موقت ملی را تشکیل دادند. با هجوم نیروهای متفقین به کرمانشاه و شکست سپاه عثمانی، دولت موقت ملی سقوط کرد و اعضای آن پراکنده شدند.



اعضای دولت موقت ملی در کرمانشاه، از راست: میرزا قاسم خان صوراسرافیل، حسین سمیعی، محمدعلی فرزین، رضاقلی نظام مافی، آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس، امان‌الله اردلان، محمدعلی نظام مافی

ایستادگی در برابر اشغالگران: به‌رغم آن که حکومت قاجار فاقد توان و اراده لازم برای مقابله با نیروهای متجاوز بود، اما در برخی مناطق، به‌ویژه نواحی جنوبی ایران، نیروهای مردمی تحت تأثیر فتوای مراجع و با هدف دفاع از استقلال وطن در برابر قوای اشغالگر انگلیسی ایستادند. دلیران تنگستان و دشتستان به فرماندهی رئیسعلی دلواری تا آخرین قطره خون با نیروهای متجاوز جنگیدند و ضربات سختی بر آنها وارد کردند. مردم کازرون نیز به رهبری ناصر دیوان کازرونی با شجاعت و شهامت تمام رویاروی نیروهای انگلیسی شدند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» تلفات سنگینی بر ارتش اشغالگر وارد آوردند.

آثار جنگ: جنگ جهانی اول برای مردم ایران بسیار فاجعه‌آمیز بود. کشوری که دولت و مردمش، هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامه جنگ نداشتند، تلفات جانی و خسارت‌های مالی هنگفتی را متحمل شد. افزون بر آن عده از ایرانیان که بر اثر درگیری‌های نظامی جان باختند، شمار بسیار زیادی از مردم ایران بر اثر قحطی، گرسنگی و بیماری‌های ناشی از جنگ و اشغال به طرز دلخراشی جان دادند. این در حالی بود که منابع اقتصادی و مواد غذایی کشورشان توسط اشغالگران مصادره شده بود.

یک توضیح

محمدعلی جمال‌زاده تلفات وحشتناک شیراز را در زمان جنگ جهانی اول این‌گونه روایت کرده است: «جنگ جهانی اول در آستانه اتمام بود [پاییز ۱۹۱۸] که در دل شبی تاریک و هولناک سه سوار ترسناک که هر کدام شمشیر و شلاق به بر داشتند به آرامی از دیوارهای شهر عبور کردند و به آن وارد شدند. یک سوار نامش قحطی، دیگری آنفلوانزای اسپانیایی و آخری وبا بود. طبقات فقیر، پیر و جوان، همچون برگ پاییزی در برابر حمله این سه سواران بی‌رحم فرو می‌ریختند. هیچ غذایی پیدا نمی‌شد، مردم مجبور بودند هر چه را که می‌توانستند بچوند و بخورند. به زودی گربه و سگ و کلاغ را نمی‌شد یافت. حتی موش‌ها نسلشان بر افتاده بود. برگ، علف و ریشه گیاه را مانند نان و گوشت معامله می‌کردند. در هر گوشه و کنار، اجساد مردگان پراکنده بود. بعد از مدتی مردم به خوردن گوشت مردگان روی آوردند.

انقلاب روسیه و نقشه‌های جدید انگلستان



وثوق الدوله

انقلاب اکتبر روسیه^۱ در اواخر جنگ جهانی اول روی داد و بر اوضاع کشور ما بسیار تأثیر گذاشت. تغییر رژیم در روسیه، باعث بازگشت سپاهیان روس به کشورشان شد. دولت استعمارگر انگلیس با استفاده از این وضع، بلافاصله حضور نظامی خود را در مناطق شمالی ایران گسترش داد و بدین ترتیب، سراسر کشورمان را اشغال نظامی کرد. انگلیسی‌ها در صدد بودند تا در غیاب رقیب خود و با وجود تسلط بی‌چون و چرای نظامی که به‌دست آورده بودند، با انعقاد قراردادهایی، منافع سیاسی - اقتصادی خود را تأمین کنند.

قرارداد ۱۹۱۹ م. : با نخست‌وزیر شدن وثوق‌الدوله^۲ تا حد زیادی زمینه مساعد برای اهداف انگلستان در ایران فراهم شد. در دوره نخست‌وزیری او «قرارداد ۱۹۱۹ م.» (۱۲۹۸ ش.) میان ایران و انگلیس امضا شد که بر اساس آن امتیاز ایجاد راه‌آهن و راه‌های شوسه را در سراسر کشور به انگلیسی‌ها واگذار می‌شد و ایران با گرفتن وام از انگلستان اداره امور مربوط به دارایی و ارتش ایران را به مأموران و کارشناسان و فرماندهان انگلیسی می‌سپرد. چنان که پیداست، در صورت اجرای این قرارداد، ایران به‌طور رسمی تحت نفوذ و سلطه کامل انگلستان قرار می‌گرفت.

پس از انتشار متن قرارداد، مردم و برخی از دولتمردان مخالفت خود را با آن ابراز کردند. در رأس مخالفان این قرارداد، آیت‌الله مدرس قرار داشت و خانه او، از جمله مراکز تجمع مخالفان بود. اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌هایی^۳ در مخالفت با قرارداد در سراسر ایران منتشر شد. دولت، زیر فشار انگلیسی‌ها

۱- در سال ۱۹۱۷ م./ ۱۲۹۶ ش. مردم روسیه که از ستم حاکمان این کشور به ستوه آمده بودند، به مخالفت با حکومت برخاستند و سرانجام، خاندان پادشاهی این کشور (رومانوف‌ها) را برکنار کردند. انقلاب روسیه از دو جهت برای ایران اهمیت داشت؛ یکی این که موجب خروج نیروهای روسیه از ایران شد و دیگر این که انقلابیون این کشور اعلام کردند که قصد تسلط مجدد بر ایران و دخالت در امور کشور ما را ندارند. این وعده بعدها نادیده گرفته شد اما در آن سال‌ها از بار مشکلات ایران کاست. از آن پس، نام این کشور از «روسیه» به «شوروی» تغییر یافت.

۲- حسن وثوق معروف به وثوق‌الدوله، در مجلس اول نماینده طبقه تجار بود و در چند کابینه، مقام وزارت یافت. او دو بار نیز به مقام نخست‌وزیری رسید.

۳- اطلاعیه‌هایی که به صورت مخفی نوشته و تکثیر می‌شد و شب‌ها توزیع یا به در و دیوارها چسبانده می‌شد. این اقدام در آگاهی مردم نقش مؤثری داشت.

به سرکوب مخالفان و تبعید و زندانی کردن آنها پرداخت. شیخ محمد خیابانی در مخالفت با قرارداد یادشده، در تبریز قیام کرد. گسترش موج مخالفت‌ها و ثوق الدوله را به قبول شکست و ادار کرد. شکست قرارداد ۱۹۱۹، در واقع شکست سیاست‌های انگلیس در ایران بود. در پی این شکست، دولت انگلیس



شیخ محمد خیابانی



آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس

که چنین وضعی را ناشی از ضعف حکومت قاجار و از هم‌پاشیدگی اوضاع ایران می‌دانست، در صدد برآمد که زمینه را برای تشکیل حکومت جدید از طریق کودتا فراهم کند.



سیدضیاءالدین طباطبایی

کودتا: دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، در صدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامه کودتا طرح‌ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی حاضر در ایران واگذار شد. آیرون‌ساید^۱، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست‌وجو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبایی^۲ که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور، مناسب تشخیص داد.

آیرون‌ساید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی

که سید ضیاءالدین درباره او جمع‌آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند. آیرون‌ساید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده‌شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی‌آنکه با مقاومت

۱- Ironside

۲- مدیر روزنامه رعد و مدافع قرارداد ۱۹۱۹

جدی روبه‌رو شوند، نقاط حساس پایتخت را به اشغال درآوردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی‌ها به ناچار سیدضیاء‌الدین طباطبایی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهره نظامی کودتا بود، به‌عنوان فرمانده ارتش، لقب «سردار سپه» گرفت. به فاصله کوتاهی، سیدضیاء استعفا کرد و به اروپا رفت؛ زیرا در آن شرایط بحرانی قادر به اداره کشور نبود.



احمد شاه قاجار به همراه رضاخان و سایر رجال درباری

بیشتر بدانیم

میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل



نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل‌های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت.^۱ رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک‌خان، طلبه آزادمش و انقلابی و فردی

۱- از خرداد ۱۲۹۳ تا مهر ۱۳۰۰

مؤدب، متواضع، خوش‌برخورد و پای‌بند به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعداد، بی‌پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به‌شمار می‌رفته است؛ آن‌چنان که هر گاه کسی به دیگری ستم می‌کرده، مشت میرزا را بالای سر خود می‌دیده است. میرزا کوچک‌خان ورزش را دوست می‌داشت و هر روز ورزش می‌کرد. او مردی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی‌زد و آهسته و سنجیده سخن می‌گفت و صحبت‌هایش اغلب با لطیفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه‌ای خاص بود و به‌ندرت اتفاق می‌افتاد که مخاطبش مجذوب متانت و بیان او نشود. میرزا یک مرد مذهبی تمام‌عیار بود و هیچ‌گاه واجباتش را ترک نمی‌کرد. او به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت؛ به‌طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود.

میرزا در آستانه انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت‌های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه‌خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی‌شاه، دلاوری‌های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه‌خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع ناامنی و بی‌عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با خودکامگی و استبداد.

قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت‌های بی‌کفایتی که در تهران بر سر کار می‌آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به‌دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت‌های مردانه‌اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران زنده و جاوید ماند و الگویی برای مبارزان بعدی شد.

۱- جنگ جهانی اول چه اثری بر اوضاع ایران داشت؟

۲- قرارداد ۱۹۱۹ م. دربردارنده چه مسائل و مواردی بود و چه واکنش‌هایی را در پی

داشت؟

۳- چرا در دوره احمدشاه، انگلیس‌ها سیاست تغییر حکومت ایران را در پیش گرفتند؟

۴- با توجه به آنچه در این درس خواندید، به نظر شما، مشکلات اصلی کشور ما در اواخر دوره

سلطنت قاجار چه بود؟ توضیح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

۱- درباره مفاد قرارداد ۱۹۱۹ م. مطلبی تهیه کنید.

۲- با توجه به آنچه در درس‌های قبل آموخته‌اید، بیان کنید که به نظر شما، شرایط اجتماعی،

به قدرت‌گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟

ایران در دوران سلطنت رضا شاه

مقدمه

شما در این درس، با چگونگی تأسیس سلسلهٔ پهلوی، ماهیت اقدامات رضاشاه و نیز چگونگی برکناری او از سلطنت آشنا می‌شوید.

رضاخان از نخست‌وزیری تا پادشاهی

رضاخان در دورهٔ زمامداری پنج دولت کم‌دوام با دسیسه‌چینی و هماهنگی انگلستان، مقام و موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه و مجلس به ناچار به نخست‌وزیری او تن در دادند. احمدشاه بلافاصله به سفر اروپا رفت^۱ و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی – یعنی رسیدن به سلطنت – آماده کرد. رضاخان برای این که زمینهٔ انتقال قدرت به او فراهم شود، ابتدا پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظیر آیت‌الله مدرس، مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ به طوری که رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برنداشت.

به سلطنت رسیدن رضاخان

رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می‌برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می‌کرد و در عین حال، می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی‌اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی

۱- انگلیسی‌ها و رضاخان چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بسیار آشفته است؛ بنابراین، به شاه پیشنهاد می‌کردند که مدتی به خارج از کشور برود و پس از برقراری امنیت، بازگردد. از سوی دیگر، آنها خروج شاه را نشانهٔ بی‌علاقگی او به کشور اعلام می‌کردند.

که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می‌کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر این که شاه علاقه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می‌شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می‌کردند. پس از سرکوبی شورش خزل و بعضی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.

یک توضیح

شیخ خزل



شیخ خزل

شیخ خزل رئیس قبیله مَیسن شاخه‌ای از قبیله بنی‌کعب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به طوری که همه مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند. شیخ خزل با انگلیسی‌ها ارتباط داشت و انگلیسی‌ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می‌کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه با وجود عشایر مختلف عرب و غیرعرب در آن، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت‌گیری او، بر شیخ خزل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت. عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی‌ها شیخ خزل را فدای رضاخان کردند تا او را در میان مردم قهرمان جلوه دهند. سرانجام، شیخ خزل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

پس از آن که عمال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش. ماده واحده‌ای به صورت طرح در مجلس مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. در این ماده واحده، پیش‌بینی شده بود که پس

از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس - از جمله آیت‌الله مدرس و دکتر مصدق - سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند^۱.

با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولت‌های بزرگ خارجی به‌عمل آمد، قابل پیش‌بینی بود که مجلس فرمایشی مؤسسان نیز با وجود مخالفت‌های عده‌ای از نمایندگان، سلطنت رضاخان را بپذیرد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت‌وگو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که همزمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به‌دست بیگانگان آغاز می‌شود که به «استعمار نو» شهرت دارد.



آیا می‌دانید تفاوت استعمار نو و استعمار کهنه چیست؟ توضیح دهید.

رضاشاه پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه‌های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از:

۱- بازگشت به حکومت استبدادی

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت‌های آزادی‌خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون‌گذاری و قانون‌امهیت نمی‌داد و تصمیمات فردی خود را به اجرا درمی‌آورد.

۲- ایجاد ارتش منظم

به‌وجود آوردن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه‌های اساسی انگلیسی‌ها بود. این ارتش ضمن این‌که تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می‌ساخت، قیام‌های مردمی را سرکوب می‌کرد و در مواقع

۱- دو تن دیگر عبارت بودند از: یحیی دولت‌آبادی و سیدحسن تقی‌زاده.

ضروری، به‌عنوان تأمین‌کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می‌گرفت. رضاشاه نیروهای سه‌گانه ارتش را با هدایت انگلیسی‌ها به‌وجود آورد. به نو کردن ارتش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش. قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

۳- احداث خط آهن سراسری

از جمله اقدامات رضاشاه، احداث راه‌آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور^۱ متصل می‌کرد. احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و در واقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی روس‌ها، انگلیسی‌ها با استفاده از این راه می‌توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم‌ترین عامل ارتباطی شرق و غرب مبدل شد.

۴- اسکان عشایر

از دیگر اقدامات رضاشاه، اسکان اجباری عشایر بود. این اقدام، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود. به‌علاوه هدف آن، مهار کردن نیروی رزمی عشایر بود.

۵- یک شکل کردن لباس‌ها و کشف حجاب

رضاشاه به‌نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه‌پرستی، به یک شکل کردن لباس‌ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد؛ اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن‌جمله



باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عده زیادی کشته و مجروح شدند.

رضاشاه دانش‌آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد.

۱- بندر امام خمینی فعلی

سیاست مذهبی رضاشاه

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است. پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس‌جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت‌های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأمورانی مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس‌های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه‌های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیداً ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا قدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد.



رضاشاه و آتاتورک

یک توضیح ✓

حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود: «به فرض که هیچ‌کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»

شهادت مدرّس

مدرس، روحانی مبارز و خستگی‌ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست‌وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به‌شمار می‌رفت.

وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامهٔ حکومت رضاخان به حساب می‌آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می‌دانست که نمی‌تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس‌العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این‌رو، در صدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آن که قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والا مقام هجوم بردند و او را به خوفاً تبعید کردند.^۱ مدرس سال‌ها در خوفاً زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خوفاً به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان‌جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

رضاشاه و سیاست‌گرایی به آلمان



آدلف هیتلر

همزمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی‌ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی‌ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی‌ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطهٔ خویش دستور دهند تا امکان فعالیت‌های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه‌های آلمانی گشود.

پس از تغییر سیاست انگلیس در مورد آلمان و آغاز درگیری‌های هیتلر با انگلستان، سیاستمداران وقت انگلیس،

۱- شهربانی خوفاً ماهانه مبلغ ۱۵۰ ریال برای ایشان تعیین کرده بود؛ چند سال بعد، مدرس از همان بول در گوشه‌ای از شهر خوفاً آب‌انباری ساخت.

سیاست پیشین را رها کردند و از دست‌نشانندگان خویش نیز خواستند که خود را با انگلیسی‌ها هماهنگ سازند و به اخراج مستشاران آلمانی اقدام کنند. در چنین شرایطی، رضاشاه که تصور می‌کرد هیتلر به‌زودی انگلیسی‌ها را در صحنه جهانی شکست خواهد داد، برای حفظ قدرت خویش تصمیم گرفت ارباب دیرین را کنار گذارد و با مقاومت در برابر انگلیسی‌ها، هیتلر را از خود خشنود سازد.

اشغال ایران توسط متفقین

چنان‌که در درس دهم خواندید، جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان در اوایل شهریور ۱۳۱۸/ اوت ۱۹۳۹ آغاز شد. آلمان سپس فرانسه را اشغال و به شوروی نیز حمله کرد. در ابتدا، پیشروی نیروهای آلمانی به سوی شوروی با خون‌سردی انگلستان و ایالات متحده و شاید شادی پنهان آنان همراه بود، اما با فاش شدن سیاست خاورمیانه‌ای هیتلر که هدف آن، توسعه نفوذ آلمان در این منطقه و تصرف چاه‌های نفت و ضربه زدن به دولت‌های رقیب بود، یک‌باره وحشت سرابای سیاستمداران انگلستان را فراگرفت؛ بنابراین، کشورهایی که خود را دشمن شوروی می‌دانستند، تصمیم گرفتند استالین را یاری کنند. استالین، رهبر کشور شوروی نیز دست دوستی کشورهای سرمایه‌داری را فشرده.

در آغاز جنگ، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام کرد و اظهار داشت که به قوای بیگانه اجازه عبور از خاک ایران را نخواهد داد. اتخاذ این سیاست در عمل به نفع آلمان بود؛ زیرا کشور ایران تنها راه تقویت جبهه شوروی به حساب می‌آمد. در این میان، متفقین که تصمیم خود را برای ورود به کشور ما گرفته بودند، در تیرماه ۱۳۲۰ از دولت ایران خواستند که آلمانی‌های مقیم ایران را اخراج کرده و در عوض، از کارشناسان متفقین استفاده کند. اما رضاشاه با تأکید بر بی‌طرفی، از این امر سر باز زد.



پیشروی سربازان هیتلر در سرزمین شوروی

پیشروی آلمانی‌ها در شوروی به حدی رسید که اگر ادامه می‌یافت، نیروهای آلمانی به چاه‌های نفت – یعنی رگ‌های حیاتی انگلستان – دست می‌یافتند؛ بنابراین، در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰، سفیران دو کشور انگلستان و شوروی به‌طور جداگانه یادداشت‌هایی را به دولت ایران تسلیم و اعلام کردند که چون ایران در مقابل متفقین سیاست مبهمی در پیش گرفته است، ارتش‌های آنان ناگزیر وارد ایران خواهند شد.



اشغالگران از راه آهن ایران برای مقاصد نظامی خود استفاده می‌کردند.

ارتش رضاشاه و نیروهای متفقین

با ورود نیروهای متفقین به ایران، ارتش رضاشاه تلاشی شد. فرماندهان، سربازخانه‌ها را ترک کردند و سربازان نیز به غارت وسایل سربازخانه‌ها پرداختند. در نواحی کرمانشاه و بعضی بنادر شمالی و جنوب، بخشی از نیروهای ایرانی در مقابل قوای انگلستان مقاومت کردند اما سرانجام، در ۵ شهریور ۱۳۲۰، فرمان ترک مقاومت به کلیه نیروهای نظامی ابلاغ شد. نیروهای شوروی از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به پیشروی پرداختند و به هم پیوستند. کابینه



محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)

علی منصور، نخست‌وزیر، سقوط کرد و ذکاء‌الملک فروغی به نخست‌وزیری رسید.
در روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای انگلستان و شوروی به سوی تهران حرکت کردند؛ آنها رضاشاه را مجبور به استعفا کردند و چون در آن شرایط، برای اعمال سیاست‌های خود کسی را مناسب‌تر از فرزند او نمی‌دیدند، وی را به پادشاهی رساندند.

پرسش‌های نمونه

- ۱- رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنه سیاسی ایران چه کرد؟
- ۲- مجلس مؤسسان، تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟
- ۳- اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.
- ۴- چرا ایران در جنگ جهانی دوم مورد توجه انگلستان و شوروی قرار گرفت؟
- ۵- به نظر شما، مشکلات ایران از آغاز پیروزی انقلاب مشروطه تا قدرت گرفتن رضاشاه چه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره تأسیس بانک ملی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره قرارداد داری (که در زمان قاجارها بسته شد) و قرارداد ۱۹۳۳ م. مقاله‌ای تهیه کنید.

وضع ایران از اشغال متفقین تا کودتای ۲۸ مرداد

مقدمه

دوران دوازده ساله ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ش. یکی از مقاطع مهم و حساس تاریخ ایران است. آثار و نتایج سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، چگونگی خروج نیروهای اشغالگر از سرزمین ما و موضوع بسیار مهم مبارزه ملت ایران با استعمار انگلستان و کوشش برای ملی شدن نفت، از مهم ترین حوادث این دوره اند که در این درس بررسی و تحلیل می شوند.

وضع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوران اشغال

در درس قبل خواندید که دولت ایران در شروع جنگ جهانی دوم هیچ دخالتی نداشت و بی طرفی خود را در جنگ اعلام کرد، اما خاک ایران به اشغال نیروهای متفقین (انگلستان، شوروی و آمریکا) درآمد و تا پایان جنگ جهانی دوم نیز در اشغال ماند. مردم ایران در دوران اشغال، با مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی بسیاری روبه رو شدند و خسارت و آسیب های فراوانی را تحمل کردند. امکانات اقتصادی ایران از قبیل بنادر، راه ها، فرودگاه ها و کارخانه های مهم در اختیار اشغالگران قرار گرفت و حتی ذخیره مواد غذایی نیز به سربازان متفقین اختصاص یافت. در طول آن سال های سخت، عده زیادی از ایرانیان در نتیجه کمبود و گرانی مواد غذایی دچار سوء تغذیه و بیماری شدند و جان خود را از دست دادند. همچنین در اثر کمبود و کیفیت نامطلوب نان، آشوب های بزرگی در نقاط مختلف، از جمله در پایتخت به پا شد.

خروج نیروهای اشغالگر متفقین، از ایران

دولت ایران در پایان جنگ جهانی دوم، از دولت‌های متفق خواست که نیروهای نظامی خود را از ایران خارج کنند. آنها در طول جنگ نیز با اعلام اینکه استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت می‌شناسند، قول داده بودند، حداکثر شش ماه پس از تسلیم ژاپن، نیروهای خود را از ایران خارج کنند. پس از خاتمه جنگ (شهریور ۱۳۲۴ / سپتامبر ۱۳۴۵) انگلستان و آمریکا نیروهای خود را از ایران خارج کردند و از شوروی نیز خواستند که همان کار را انجام دهد؛ اما روس‌ها که در صدد تحکیم نفوذ خود در ایران و اخذ امتیاز نفت شمال ایران بودند، نه تنها نظامیان خود را از ایران خارج نکردند، بلکه به حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان پرداختند. در آن زمان اعضای فرقه‌های مذکور مسلح شده و به اقدامات مسلحانه رو آورده بودند. حضور نیروهای اشغالگر شوروی مانع از مقابله نیروهای نظامی ایران با این فرقه‌ها می‌شد.

سرانجام پس از سفر احمد قوام نخست‌وزیر وقت ایران به مسکو^۱ و مذاکره با استالین رهبر شوروی و سایر مقام‌های آن کشور، نظامیان روسی خاک ایران را ترک کردند؛ البته فشارهای بین‌المللی برای خروج ارتش شوروی از ایران را نیز نباید نادیده گرفت. پس از آن حکومت ایران با حمایت مردم آذربایجان و کردستان به خودسری‌های فرقه‌های دموکرات آذربایجان و کردستان پایان داد.

مبارزه برای ملی کردن نفت ایران

انگلیس‌ها که به اهمیت حیاتی نفت ایران آگاه بودند، برای تسلط بیشتر بر ذخایر نفت ایران و رقابت اقتصادی با آمریکا و شوروی و براساس قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش. ایران و انگلیس، یک قرارداد الحاقی را با دولت ساعد به امضا رسانیدند.^۲ اما این قرارداد برای اجرا نیازمند موافقت مجلس شورای ملی بود. برخلاف تصور محمد ساعد نخست‌وزیر وقت، نمایندگان مجلس حاضر به تصویب آن نشدند و ساعد مجبور به استعفا شد. با تشکیل مجلس شانزدهم علی منصور نخست‌وزیر جدید قرارداد الحاقی نفت را به مجلس شورای ملی برد تا موافقت نمایندگان را برای تصویب آن جلب کند. اما این بار نیز مجلس از تصویب آن امتناع کرد. با استعفای منصور، سپهبد رزم‌آرا به مقام نخست‌وزیری رسید.

۱- بهمن ۱۳۲۴

۲- به دلیل آنکه این قرارداد به امضای گس نماینده دولت انگلیس و گلشائیان وزیر دارایی ایران رسیده بود، به قرارداد گس-گلشائیان

معروف شده است.



دکتر محمد مصدق و آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی

دلیل انتخاب یک فرد نظامی به نخست‌وزیری تهدید نمایندگانی بود که خواهان لغو همه قراردادهای نفتی و ملی شدن صنعت نفت ایران بودند. اما این کار عزم نیروهای ملی-مذهبی به رهبری آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق را برای ملی کردن نفت بیشتر کرد.

فدایان اسلام و مسئله ملی شدن نفت

هنگامی که مخالفت سپهبد رزم‌آرا در مقابله با ملی شدن نفت شدت پیدا کرد و وی ملت و نمایندگان مجلس شورای ملی را مورد توهین و تحقیر قرار داد، فدایان اسلام به رهبری یک روحانی جوان معروف به نواب صفوی، رزم‌آرا را در شانزده اسفند ۱۳۲۹ ترور کردند. ضارب او خلیل طهماسبی یکی از اعضای فعال فدایان اسلام بود.

یک توضیح ✓

نواب صفوی



شهید نواب صفوی

سید مجتبی میرلوحی، مشهور به نواب صفوی، به سال ۱۳۰۳ ش. در خانی‌آباد تهران به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، به نجف رفت. سه سال بعد، به انگیزهٔ مقابله با سخنان ضد اسلامی سید احمد کسروی، به ایران بازگشت؛ نواب صفوی پی از آن که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ کسروی را مجروح کرد، بازداشت شد. پس از آزادی، جمعیت فدائیان اسلام را تأسیس کرد. دلایل و اهداف تأسیس این جمعیت، اجرای قوانین و احکام اسلامی، محو عوامل استعمار و مخالف اسلام و مهیا ساختن زمینهٔ تشکیل حکومت اسلامی

اعلام شده بود. اعضای جمعیت فدائیان اسلام، در طول ۱۰ سال فعالیت خود، افرادی را ترور انقلابی کردند؛ عده‌ای از این افراد (مانند احمد کسروی، عبدالحسین هژیر و علی رزم‌آرا) کشته و افرادی هم (مانند سید حسین فاطمی و حسین علا) مجروح شدند. سرانجام رهبر و تعدادی از اعضای فعال جمعیت فدائیان اسلام، توسط مأموران حکومت پهلوی شناسایی و محبوس شدند؛ سپس حکومت آنان را محاکمه کرد و نواب صفوی و سه تن از یاران فعالش را در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۴ به شهادت رساند.

یک روز بعد از کشته شدن رزم‌آرا، کمیسیون نفت لایحه ملی شدن نفت ایران را تصویب کرد و در ۲۴ اسفند نیز به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مجلس سنا نیز در ۲۹ اسفند آن را تأیید کرده به این ترتیب با کوشش تمامی نیروهای میهن دوست و ضد استعمار، نهضت ملت ایران برای ملی کردن نفت و قطع دست استعمار انگلستان از منابع عظیم نفت ایران به نتیجه رسید.

تلاش برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران

انگلیسی‌ها برای ممانعت از ملی شدن نفت در ایران اقدامات زیر را انجام دادند:

- ۱- تعطیلی دو شعبه بانک انگلیس در ایران به منظور تخریب اقتصاد ایران
- ۲- فشار به دولت و بازرگانان ایران برای بازپرداخت سریع بدهی‌های خود
- ۳- خارج کردن سرمایه شرکت نفت جنوب از سیستم گردش پولی ایران

فراز و فرود نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق

نخست‌وزیری دکتر مصدق به دو دوره قابل تقسیم است:

- ۱- دوره اول از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ تا ۲۵ تیر ۱۳۳۱: این دوره با حمایت قاطع آیت‌الله کاشانی و وحدت میان شخصیت‌های ملی و مذهبی همراه بود و دکتر مصدق تلاش کرد تا حقانیت ایران را در مجامع بین‌المللی به اثبات برساند. دادگاه لاهه نیز در موضوع نفت به نفع ایران رأی صادر کرد. با برگزاری انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی اوضاع سیاسی کشور بهتر شد.



تعدادی از وزیران کابینه محمد مصدق

۲- دوره دوم از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲: دکتر مصدق که در داخل کشور با توطئه‌های دربار مواجه بود، برای سروسامان دادن به اوضاع، از محمدرضا شاه درخواست کرد تا وزارت جنگ و کنترل ارتش را نیز به وی بسپارد، اما مخالفت شاه با این تقاضا سبب شد تا دکتر مصدق بدون مشورت با آیت‌الله کاشانی در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا دهد. محمدرضا شاه نیز با خوشحالی استعفای او را پذیرفت و احمد قوام را مأمور تشکیل کابینه کرد.

قیام ۳۰ تیر

آیت‌الله کاشانی به شدت با نخست‌وزیری قوام مخالفت کرد و مردم را به مبارزه فراخواند. وی همچنین تهدید کرد، اگر قوام ظرف چهار و هشت ساعت کنار نرود، دستور جهاد خواهد داد. با موضع‌گیری قاطع آیت‌الله کاشانی، مردم تهران و چندین شهر دیگر، روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ با تعطیل کردن بازار به خیابان‌ها ریختند و خواستار برکناری قوام از نخست‌وزیری شدند. به دستور قوام نیروهای نظامی مردم را به گلوله بستند، اما همان روز مقاومت ملت ایران نتیجه داد و با استعفای قوام، مصدق دوباره نخست‌وزیر شد و اختیارات وزارت جنگ و نیروهای مسلح را نیز به دست گرفت.

۱- شهرهای کرمانشاه، همدان، آبادان، خرمشهر، قزوین، رشت، اهواز، شیراز، اصفهان، کاشان و...

متأسفانه ثمرهٔ قیام ۳۰ تیر که حاصل مجاهدت ملت ایران و خون‌ده‌ها شهید بود، خیلی زود از دست رفت. اندکی پس از پیروزی قیام، نهضت گرفتار تفرقه و چنددستگی شد. اختلاف میان رهبران نهضت که روزه‌به‌روز بر دامنهٔ آن افزوده می‌شد، ضربهٔ اساسی بر پیکر نهضت وارد آورد. قدرت‌طلبی، نفع‌پرستی و لجاجت برخی از دست‌اندرکاران نهضت از یک‌سو و دسیسهٔ قدرت‌های استعماری، توطئهٔ درباریان، شاه و سایر دشمنان ملت ایران از طرف دیگر، زمینه و شرایط را برای انجام کودتا و شکست نهضت ملی فراهم آورد.

کودتای ۲۸ مرداد

آمریکایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم حضور بیشتری در صحنهٔ سیاسی و امور داخلی ایران پیدا کردند و علاقه‌مند بودند تا با گرفتن امتیازات سیاسی - اقتصادی، برای همیشه در ایران بمانند. اما هنگامی که در این راه ناکام شدند و با دکتر مصدق به توافق نرسیدند، همراه با انگلیسی‌ها و درباریان، مقدمات کودتایی را علیه دولت مصدق فراهم کردند. مرحلهٔ اول کودتا در ۲۵ مرداد با شکست مواجه شد و محمدرضا شاه به اتفاق همسرش از ایران فرار کرد. اما مرحلهٔ دوم کودتا در ۲۸ مرداد سبب سقوط دولت مصدق و سیطرهٔ آمریکایی‌ها در ایران شد.



صحنه‌ای از کودتای ۲۸ مرداد در تهران



شاه در جمع عده‌ای از افسران نظامی
شرکت‌کننده در کودتای ۲۸ مرداد

ادامه مبارزه در دوران خفقان آمیز پس از کودتا

با وجود پیروزی کودتاجیان، جریان مقاومت در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی ادامه



یافت. تعدادی از شخصیت‌های ملی و مذهبی به همراه استادان دانشگاه تشکلی را با نام نهضت مقاومت ملی پایه‌گذاری کردند. آیت‌الله کاشانی نیز با صدور اعلامیه‌ای با قرارداد جدید نفتی مخالفت کرد. تعدادی از استادان دانشگاه نیز به دلیل اعتراض به مذاکرات نفت از دانشگاه اخراج شدند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به برقراری رابطه مجدد با انگلستان و سفر نیکسون^۱ به ایران تظاهراتی برپا کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند.^۲

محمدرضا شاه و سرلشگر فضل‌الله زاهدی عامل کودتای ۲۸ مرداد

بیشتر بدانیم

وضع ایران در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ شمسی

بعد از کودتای ۲۸ مرداد شرایط سختی در کشور حکمفرما شد. دولت کودتا در تهران فرمانداری نظامی تشکیل داد. فرمانداری نظامی فعالیت‌های مخالفان را سرکوب کرد و آنها را تحت تعقیب، آزار و شکنجه قرار داد. در سال ۱۳۳۴ ش. دولت آمریکا برای تقویت حکومت پهلوی مبلغ ۴۵ میلیون دلار به صورت بلاعوض به دولت ایران پرداخت کرد. در همان سال ایران به «پیمان بغداد»^۳ پیوست. این پیمان به توصیه آمریکا ابتدا بین کشورهای ترکیه و عراق در سال ۱۳۳۳ ش. به امضا رسید. سپس

۱- معاون رئیس‌جمهور آمریکا

۲- به همین مناسبت در تقویم جمهوری اسلامی ایران این روز به نام روز دانشجو نام‌گذاری شده است.

۳- Baghdad Pact

دولت‌های انگلستان، پاکستان و ایران نیز به آن پیوستند. هدف از شکل‌گیری پیمان بغداد مقابله با گسترش نفوذ شوروی بود. با خروج عراق از پیمان بغداد در سال ۱۳۳۸ نام این پیمان به پیمان سنتوا (مرکزی) تغییر یافت و مرکز آن به آنکارا منتقل شد.

در سال ۱۳۳۵ قانون تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سازمان مذکور با هدف کشف و خنثی‌سازی مخالفت‌ها و تعقیب و دستگیری مخالفان رسماً در سال ۱۳۳۶ ش. شروع به کار کرد. در دوران نخست‌وزیری منوچهر اقبال (۱۳۳۹ - ۱۳۳۶ ش.) که از دوستان مورد اعتماد شاه بود، به تقلید از آمریکا، دو حزب سیاسی جدید ایجاد شد. حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال و حزب مردم به رهبری اسدالله علم.

در شهریور ۱۳۳۹ اقبال از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و جعفر شریف‌امامی به نخست‌وزیری منصوب شد. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ در راهپیمایی اعتراض‌آمیز فرهنگیان در تهران، یکی از فرهنگیان به نام دکتر خانعلی توسط پلیس کشته شد. به دنبال این واقعه، بحران سیاسی مملکت را فراگرفت و گروه‌های سیاسی مخالف که از حاکمیت اختناق‌آمیز به تنگ آمده بودند، ندای اعتراض سر دادند.

از سوی دیگر، در انتخابات سال ۱۹۶۱ م. / ۱۳۳۹ ش. در آمریکا حزب دموکرات پیروز و جان اف. کندی^۲ به ریاست جمهوری آن کشور انتخاب شد. دولت جدید آمریکا، ایران را برای اقداماتی که امکان نفوذ بیشتر آمریکا را در آینده فراهم کند، تحت فشار قرار داد. آنان نام این اقدامات را «برنامه‌های اصلاحی» گذاشتند. آمریکایی‌ها با این کار قصد داشتند زمینه‌های گرایش به کمونیسم را از بین ببرند. دولت آمریکا اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران را مشروط به انجام اصلاحات کرد. شاه برای مهار بحران رو به گسترش داخلی و ایجاد هماهنگی با سیاست آمریکا، با استعفای شریف‌امامی موافقت و علی‌امینی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. امینی که مورد حمایت آمریکا بود، مأموریت داشت اصلاحات را در کشور به انجام برساند. نخست‌وزیر جدید برای جلوگیری از مخالفت مجلس شورای ملی که بسیاری از نمایندگان زمین‌داران در آن حضور داشتند، از شاه درخواست کرد مجلس را منحل کند. شاه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ مجلس را منحل کرد و امینی با کمک وزیر کشاورزی خود برنامه اصلاحات را از «اصلاحات ارضی» (تقسیم زمین زمین‌داران بزرگ) آغاز کرد. اصلاحات ارضی موجب محبوبیت نسبی امینی شد اما با مقاومت و مخالفت زمین‌داران بزرگ که در حکومت نفوذ داشتند، مواجه شد. از سوی دیگر، شاه که شاهد افزایش محبوبیت نخست‌وزیر در جامعه بود، نگران شد و در صدد برکناری او برآمد.

در اثر فضای سیاسی نسبتاً باز که به توصیه آمریکا در دوران نخست‌وزیری امینی برقرار شده

بود، گروه‌ها و احزاب سیاسی بعد از تحمل حدود یک دهه فشار و سرکوب، فعالیت خود را به‌ویژه در مدارس و دانشگاه‌ها از سر گرفتند. در جریان تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در اول بهمن ۱۳۴۰، نیروهای نظامی به دانشگاه یورش بردند و به سرکوبی دانشجویان پرداختند. این واقعه بهانه لازم برای اثبات بی‌کفایتی امینی را به‌دست شاه داد؛ بنابراین او را برکنار و اسدالله علم رهبر حزب مردم را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

علم در ادامه اصلاحات، لایحه اصلاح قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در دستور کار دولت خود قرار داد که سرانجام در نتیجه اعتراضات پیگیر امام خمینی (ره) لغو شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اشغال ایران در جنگ جهانی دوم از نظر اقتصادی و اجتماعی چه پیامدهایی داشت؟
- ۲- ادامه حضور نیروهای شوروی پس از جنگ جهانی دوم در ایران، چه مشکلاتی در کشور ما ایجاد کرد؟
- ۳- انگلیسی‌ها برای جلوگیری از ملی شدن نفت ایران به چه فعالیت‌هایی روی آوردند؟
- ۴- چه شخصیت‌ها و گروه‌هایی برای ملی شدن نفت تلاش کردند و چه کسانی خواستار واگذاری امتیاز جدید نفت به انگلستان بودند؟
- ۵- دکتر مصدق در دوره اول نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد و در دوره دوم نخست‌وزیری با چه مشکلاتی مواجه شد؟
- ۶- علت وقوع قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ چه بود؟ رهبری قیام بر عهده چه کسی بود و چه دستاوردی داشت؟
- ۷- پس از کودتای ۲۸ مرداد چه مقاومت‌ها و اعتراض‌هایی در مقابل دولت کودتا و سلطه بیگانگان، صورت گرفت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره نقش دکتر مصدق در دفاع از حقوق ایران در دیوان داوری لاهه، مطلبی تهیه کنید.